

نقش پلیس زن در پیشگیری از جرایم علیه زنان و کودکان^۱

فاطمه قناد^۲

چکیده

حمایت از زنان و کودکان در سایه افزایش امنیت اجتماعی و پیشگیری از افزایش جرایم علیه زنان و کودکان از طریق ارائه خدمات مشاوره‌ای برای ارتقای سطح فرهنگی خانواده‌ها و اطلاع رسانی به قربانیان خشونت‌های خانوادگی از مهم‌ترین اهداف تشکیل پلیس زن در سازمان نیروی انتظامی است. پلیس زن می‌تواند در راستای پیشگیری از وضعیت‌های جرم‌زا، آمار بزه‌دیدگی زنان و کودکان را کاهش دهد.

در این مقاله رویکرد پلیس زن در پیشگیری وضعی از جرایم علیه زنان و کودکان در دو بخش جداگانه مربوط به زنان و کودکان بررسی می‌گردد و نویسنده در صدد پاسخگویی به این پرسش اساسی است که پلیس زن چگونه می‌تواند با تغییر وضعیت محیطی و کنترل ابزارها و آماج‌های جرم، منجر به کاهش بزه‌دیدگی در زنان و کودکان گردد؟ بدین منظور رویکرد پلیس زن در پیشگیری وضعی از جرایم علیه زنان و کودکان و تقلیل موقعیت‌های بزه‌دیدگی آن‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی

پلیس زن، زنان و کودکان، بزه‌دیده، جرم، پیشگیری وضعی

۱- تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۲/۱۶؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۱/۵/۷

۲- استادیار دانشگاه علم و فرهنگ

مقدمه

امام صادق 7 می‌فرماید: «هزینه کردن یک درهم برای پیشگیری بهتر است از هزینه کردن هزار درهم برای درمان».

از آغاز خلقت بشر تا کنون پدیده جنایی به عنوان واقعتی تلخ همیشه سلامت و امنیت روانی جامعه را تهدید کرده است.

جوامع بشری همواره به فراخور توان فکری و فرهنگی خویش تدابیری را در جهت زدودن انواع جرایم اتخاذ کرده‌اند. در صدر اسلام نبی اکرم 6 و امامان معصوم 7، و در مراحل از تاریخ مصلحان و متفکران تلاش‌های وافری برای پیراستن چهره جوامع انسانی از پدیده شوم جرم به کار بسته‌اند. با این همه، هنوز شاهدیم که جرم و جنایت به عنوان یک معضل اجتماعی خودنمایی می‌کند.

از منظر اصول سیاست جنایی، پیشگیری به مجموعه اقداماتی گفته می‌شود که برای جلوگیری از فعل و انفعال زیان‌آور متحمل برای فرد یا گروه و یا هر دو انجام می‌شود و با در نظر گرفتن اهداف پیشگیری عملکردگرایانه، باید به افراد در معرض خطر توجه کرد.

از سوی دیگر، در بسیاری از موارد، کمک رسانی یا کنترل بحران‌های اجتماعی صرفاً در توان مردان نیست و چه بسا در مواردی اصول اخلاق انسانی و اسلامی اجازه دخالت مردان را دراموری که خاص زنان هستند، نمی‌دهد.

از این رو متولیان سیاست جنایی در سراسر دنیا در پی استفاده از توان زنان در امور امنیتی و پلیسی برآمده‌اند. زنان نیز به عنوان منابع انسانی واجد سرمایه‌های چهارگانه فیزیکی، فکری، اجتماعی و عاطفی در راستای پیشگیری از رخداد جرایم نقش ایفا می‌کنند. مسلماً پلیس می‌تواند در فرآیندی مدیریت شونده در راستای انجام مأموریت‌های خاص از چنین نیروهایی استفاده نماید.

با بررسی ویژگی‌ها و توانمندی‌های پلیس زن می‌توان تعاملی صحیح بین دو گروه از اقشار مرتبط با حیطه وظایف پلیس یعنی کودکان و زنان آسیب‌پذیر به دست آورد. پلیس زن قادر به درک نقش و پایگاه اجتماعی این اقشار است، بنابراین بهترین وسیله برای

هم‌نوایی با اهداف نظام اجتماعی در قالب افزایش امنیت و پیشگیری از جرم خواهد بود. بعضی از اقشار جامعه مانند زنان و کودکان به طور خاص در برابر جرایم و همچنین ترس از جرایم آسیب‌پذیرند و این ترس از جرم می‌تواند تحرک و آزادی آنان را کاهش دهد و نیز باعث شود آن‌ها نتوانند به طور مناسب در فعالیتهای اجتماعی مشارکت کنند. به همین دلیل امروزه کاهش زمینه‌های بروز بزه‌دیدگی در این گروه‌ها با جدیت در جوامع توسعه یافته سیاست‌گذاری می‌شود.

به همین دلیل از منظر سیاست جنایی، در میان نقش‌های متنوعی که پلیس زن در انجام مأموریت‌ها ایفا می‌کند، پرداختن به پیشگیری از جرم یکی از اساسی‌ترین اقدامات به حساب می‌آید.

وجود ویژگی‌های خاص در پلیس زن، پیشگیری از جرایم مخصوصاً جرایم ناظر بر خانواده و زنان و کودکان را جزو حوزه‌های تخصصی این پلیس قرار می‌دهد. لذا زمانی که سخن از پیشگیری از وقوع جرم و مبارزه با آن در مورد این دو قشر به میان می‌آید، پلیس زن نخستین گزینه‌ای است که به ذهن خطور می‌کند.

به عبارت دیگر، زنان و کودکان به عنوان قشری از نظام اجتماعی هستند که پیشرفت علم و تکنولوژی و تغییرات فرهنگی موجب حضور پررنگ‌تر آنان در صحنه اجتماع شده است. این قشر نیاز به امنیت ویژه‌ای دارند که در اکثر موارد پلیس مرد به دلایلی قادر به تأمین خواسته‌های آنان نمی‌گردد.

در این میان نقش پلیس زن از لحاظ عقاید و پایبندی به اصول سازمانی، ویژگی‌های اخلاقی، رفتاری و هم‌گروه بودن با این دو قشر اهمیت بیشتری می‌یابد.

به نظر می‌رسد اگر کودک یا زن بزه‌دیده‌ای اطمینان یابد که در اداره پلیس با پلیس زن مواجه خواهد شد، با راحتی بیشتری می‌تواند مسائل خود را بیان کند و نتیجه تبعی آن، کاهش آمار سیاه جرایم، ناامن شدن محیط برای مجرمان و اتخاذ تصمیم لازم برای ایجاد امنیت بیشتر از سوی مسؤولان امنیتی و انتظامی خواهد بود.

لذا در این مقاله با استناد به انواع پیشگیری و تجزیه و تحلیل منابع علمی به دنبال این هستیم که پلیس زن در پیشگیری از جرایم علیه زنان و کودکان بزه‌دیده در جامعه چه

نقش و رویکردی را می‌تواند بر عهده داشته باشد. در این راستا به بررسی عملکرد پلیس زن در پیشگیری وضعی از جرایم علیه زنان و کودکان و تقلیل موقعیت‌های بزه‌دیدگی آن‌ها پرداخته می‌شود و رویکرد پلیس زن در پیشگیری وضعی از جرایم علیه زنان و کودکان از طریق تغییر وضعیت محیطی و کنترل ابزارها و آماج‌های جرم و تقلیل موقعیت‌های بزه‌دیدگی آن‌ها، در دو بخش جداگانه مربوط به زنان و کودکان بررسی می‌گردد.

آشنایی با مفاهیم

پیش از آغاز بحث لازم است برخی مفاهیم مورد استفاده در این مقاله توضیح داده شود:

۱- **پیشگیری وضعی از جرایم:** کلارک پیشگیری وضعی را تدابیر و روش‌هایی تعریف می‌کند که برای کاهش فرصت ارتکاب شکل کاملاً خاصی از جرم استفاده می‌شود. به عنوان نمونه، طراحی و به‌کارگیری اقداماتی نظیر نصب دیوارهای آتشین یا استفاده از رمز عبور یا شناسه هویتی برای ورود به سیستم‌ها و شبکه‌های رایانه‌ای که ارتکاب جرم نفوذ غیر مجاز یا سرقت یا تخریب اطلاعات در فضای مجازی را با دشواری همراه می‌سازد، پیشگیری وضعی تلقی می‌شوند. این نوع از پیشگیری نیازمند طراحی و مدیریت مستقیم محیط وقوع جرم یا همان نظارت هر چه پایدارتر و سازمان‌یافته‌تر بر محل وقوع جرم است؛ به گونه‌ای که سختی و خطر انجام اعمال مجرمانه را افزایش می‌دهد و سود و منافع ناشی از جرم را پایین می‌آورد (صفاری، ۱۳۸۰، ص ۲۹۲). این کاهش فرصت ارتکاب جرم به معنی کاربست تدابیر امنیتی برای حمایت از اموال و اشخاص در برابر جرم است که بیشتر ناظر بر به‌کارگیری اقدامات نظارتی برای مدیریت و طراحی محیط ارتکاب جرم می‌باشد و به نوعی رویکرد تقویت آماج جرم نامیده می‌شود.

در این نوع پیشگیری، پلیس و برنامه‌ریزان شهری نقش مهمی را ایفا می‌کنند. مسلماً سیاست تقویت آماج جرم روشی است که رویداد اعمال جنایی را دشوارتر می‌سازد و

روشی است که از سوی پلیس حمایت می‌شود (صفاری، ۱۳۸۰، ص ۳۲۳).

مؤسسه جرم‌شناسی استرالیا نیز پیش‌گیری وضعی را نوعی پیش‌گیری مطرح کرده است که هدف آن کاهش جرم از طریق مدیریت، طراحی و بهبود محیط فیزیکی از طریق کاهش فرصت ارتکاب جرم، یا دشوار کردن ارتکاب جرم، افزایش خطر دستگیری و کاهش منافع ناشی از جرم است. در این میان، نقش پلیس زن در برقراری امنیت اجتماعی مدت‌هاست که در سطح جهانی مورد توجه قرار گرفته است (Flynn, 1982, P.29).

پیش‌گیری وضعی از جرایم، یکی از اهداف مهم سیاست جنایی در جوامع رشد یافته است. در این نوع پیش‌گیری فرصت‌های ارتکاب جرم محدود می‌شود یا تحقق آن فرصت‌ها برای مجرمان بالقوه دشوارتر می‌گردد (پیکا، ۱۳۷۶، ص ۴۲).

۲- اقدام‌های وضعی پیش‌گیرنده: اقدام‌های وضعی پیش‌گیرنده ناظر به رفع اوضاع، احوال و شرایطی است که مجرم را در آستانه ارتکاب جرم قرار می‌دهند. این اوضاع و احوال در جرم‌شناسی وضعیت‌های قبل از بزهکاری یا وضعیت‌های پیش‌جنایی نام دارند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۷، ص ۲۶۹).

نقش پلیس زن در کنترل ابزارها و آماج‌های جرم

۱- کنترل و از بین بردن ابزارها و مقدمات جرم

ارتکاب برخی جرایم نیازمند اسباب و ابزاری است که بدون آن‌ها ارتکاب جرم دشوار یا ناممکن می‌شود. این تسهیل‌کننده‌ها اعم از وسایلی است که مستقیماً در ارتکاب جرم مورد استفاده واقع می‌شود، یا اقداماتی است که وقوع جرم را تسهیل می‌نماید. در کلیه موارد، تا حد ممکن و متعارف، ضبط و از دسترس عموم دور نگه داشتن این اشیاء ضروری است.

پلیس زن می‌تواند با استفاده از راهبردهای پیش‌گیرانه از طریق ایجاد محدودیت در مقدمات به ویژه زمانی که تسهیل و کمک رسانی با معاونت هم‌دستان متعدد صورت می‌گیرد، زمینه و فرصت ارتکاب بسیاری از جرایم را سلب نماید (Lord, 1995, P. 425).

گاهی عملی به خودی خود از نظر اجتماعی خنثی است و بار منفی یا مثبت ارزشی یا

ضد ارزشی ندارد، ولی می‌تواند موجب تسهیل ارتکاب جرم شود؛ اعمالی از قبیل ولگردی و تکدی در این دسته قرار می‌گیرند. چنین اعمالی جرم‌انگاری شده است تا زمینه ارتکاب جرایم دیگر نظیر سرقت یا خرید و فروش مواد مخدر یا مزاحمت نوامیس یا درگیری و منازعه‌های خیابانی از میان برداشته شود (جاوید صلاحی، ۱۳۸۱، ص ۱۶۷).

فروش مواد مخدر دارای سود فراوان است. لذا قاچاقچیان سعی می‌کنند زنان و نوجوانان را به آن معتاد سازند تا با سوء استفاده از نیاز آنان هم خود از لحاظ جنسی از آن‌ها بهره‌مند شوند و هم مواد را به وسیله آن‌ها به فروش رسانند.

در مورد ضرورت پیش‌گیری وضعی از جرایم مربوط به مشروبات الکلی نیز می‌توان گفت کاهش دسترسی به الکل جهت مست شدن یا ممنوعیت آن می‌تواند تعداد زیادی از درگیری‌ها و خشونت‌های نزدیک مناطق مسکونی را کاهش دهد. این امر می‌تواند از موارد خشونت‌های خانوادگی، جرایم رانندگی، سوء استفاده از اطفال و تخریب اموال را بکاهد (کمیته مأمور مطالعه در امر خشونت، ۱۳۷۸، ص ۱۶).

همان‌طور که میکروب در محیط آلوده و مستعد رشد می‌کند، بزهکاری نیز در شرایط و موقعیت‌های مساعدتر بهتر رشد می‌کند. برخی فرصت‌ها و موقعیت‌ها زمینه ایجاد جرایم را فراهم می‌کنند، لذا پلیس زن باید به شناسایی رفتارهای زنان آسیب‌پذیر پردازد و حتی در جهت از بین بردن ریشه و مقدمات جرایم تلاش کند.

در سیاست پیش‌گیری وضعی، از بین بردن فرصت‌ها و موقعیت‌های جرم‌زا از اولویت برخوردار است. چنانکه امام علی ۷ در کلام خویش مشاغلی را که منشأ جرم و فساد می‌شوند، ممنوع داشته، می‌فرماید: «خداوند هر گونه شغلی را که فساد و تباهی از آن ناشی می‌شود حرام کرده است» (خوانساری، ج ۳، ۱۴۰۵ هـ، ص ۲۱).

در سیاست جنایی اسلام، موضوع پیش‌گیری وضعی به طور جدی مطرح شده است و مشابه با آنچه امروز به عنوان پیش‌گیری وضعی در متون جرم‌شناسی و سیاست جنایی مورد بحث قرار گرفته، دانشمندان و فقهای اسلامی به بررسی آن پرداخته‌اند.

یکی از اهداف اصلی و مهم پیش‌گیری وضعی به هم زدن موقعیت مساعد و مناسب بزه‌دیدگی و جلوگیری از وقوع بزه‌دیدگی از این طریق است. باید وضعیت و شرایط

مناسب را آن گونه طراحی کرد که فرد در آستانه بزهکاری، فرصت ارتکاب جرم را به دست نیاورد تا بزه‌دیدگی تحقق نیابد.

حذف فرصت‌ها و موقعیت‌های بزه‌دیدگی موارد زیادی را شامل می‌شود، مانند:

۱- به هم زدن و از بین بردن شرایط محیطی مستعد و مناسب ارتکاب جرم

۲- حضور پلیس در مکان‌هایی که خطر بزه‌دیدگی بالایی وجود دارد.

۳- ارائه روش‌های پیش‌گیرانه وضعی از جرایم علیه زنان می‌تواند شامل مواردی مثل شرکت در کلاس‌های دفاع شخصی، احتراز از قرار گرفتن در مکان‌های خطرناک و نظایر آن باشد، مثل قدم نزدن زنان در مکان‌های خطرناک، پیاده‌روی نکردن در شب یا قفل کردن در ماشین هنگام رانندگی (Heidensohn, 1992, P.78).

یکی دیگر از موارد، از بین بردن زمینه جرم علیه زنان و کودکان است، تا در معرض بزه‌دیدگی‌هایی مانند هرزه‌نگاری یا آزار و اذیت‌های جنسی و شرافتی قرار نگیرند. خداوند متعال در سوره مبارکه احزاب آیه ۵۸ می‌فرماید: «ای پیامبر به همسران و دختران خود و زنان مؤمنان بگو روسری‌های خود را بر سر افکنند این امر برای شناخته شدن آنان مناسب‌تر است تا مورد آزار و اذیت قرار نگیرند».

کلام وحی نشانه این است که در جرایم علیه زنان، بزهکاران معمولاً آماج‌های خاصی را انتخاب می‌کنند و از بین بردن زمینه ارتکاب جرم، موارد تحقق بزه‌دیدگی را در خصوص زنان عقیف کاهش می‌دهد.

بنابراین، توصیه شده حیا و عفت را رعایت کنید تا به عنوان یک زن پاکدامن شناخته شوید و مورد آزار و اذیت و بزه‌دیدگی قرار نگیرید.

باید خاطرنشان ساخت که بکارگیری اقدامات کنشی، وضعیت و اوضاع و احوال ما قبل و مشرف بر بزهکاری را به ضرر مجرم تغییر می‌دهد و از ارتکاب جرم در آن محدوده زمانی و مکانی یا نسبت به آماج معین پیش‌گیری می‌کند (Fattah, 1991, P.222).

۲- محافظت از آماج‌ها

محافظت از آماج‌های رفتار مجرمانه و تقویت آن‌ها یکی از روش‌های پیش‌گیری

وضعی است که هدف آن‌ها افزایش امنیت فیزیکی آماج‌های جرم است تا از این طریق ارتکاب جرم برای مجرمان دشوارتر و خطر ناشی از آن بیشتر شود. در مواردی که آماج‌های حفاظت نشده وجود داشته باشد، نه تنها مجرمان حرفه‌ای آن‌ها را بر آماج‌های حفاظت شده ترجیح می‌دهند، بلکه مجرمان غیرحرفه‌ای و افراد غیرمجرم دارای زمینه‌های مجرمانه نیز وقتی به آسان بودن شرایط ارتکاب جرم توجه کنند، در آن‌ها ایجاد انگیزه می‌شود و به ارتکاب جرم وسوسه می‌گردند. راهبرد محافظت از آماج‌ها با دو هدف اساسی پیش‌گیری وضعی هماهنگی دارد و در راستای تأمین این اهداف حرکت می‌کند. هدف اول کاهش وسوسه‌های مجرمانه و جلوگیری از ایجاد انگیزه در افراد است که با محافظت از آماج‌ها و سخت و دشوار نمودن دسترسی به آن‌ها محقق می‌شود (وزیری و آبیید، ۱۳۹۰، ص ۱۷۳).

دشوار یا ناممکن نمودن وقوع عمل مجرمانه هدف دیگری است که با استفاده از این شیوه به دست می‌آید. لذا جهت اشراف اطلاعاتی پلیس زن و حفاظت از آماج‌ها در مورد زنان و کودکان آسیب‌پذیر تکیه بر موارد ذیل ضروری و حائز اهمیت است. با در نظر گرفتن اهداف پیش‌گیری وضعی، عملکرد پلیس زن در تحقق دو مورد آن یعنی کنترل ورودی‌ها و خروجی‌ها و همچنین حفاظت الکترونیکی با استفاده از فناوری نوین مورد بررسی قرار می‌گیرد:

الف - کنترل ورودی‌ها و خروجی‌ها: در شهرهای بزرگ و حاشیه‌های آن‌ها برخلاف شهرها و محلات کوچک نظارت و کنترل بسیار سخت است. لذا وسوسه ارتکاب جرم در این مکان‌ها بیش‌تر است. نظارت بر خروجی‌ها، پایش و مراقبت رسمی و غیر رسمی توسط پلیس زن می‌تواند احتمال به دام افتادن سوداگران و مجرمان را افزایش دهد و خطرات ناشی از ارتکاب جرم را در مقابل منافع و عایدات حاصل از آن سنگین نماید. لذا بهبود امکانات رصدگرانه برای پلیس زن در زمان‌ها و مکان‌هایی که احتمال ارتکاب جرم بیشتر است، همراه با نصب شاخص یا پلاکاردهایی برای هشدار به زنان و کودکان در مبادی ورودی و خروجی می‌تواند به عنوان راهکار مؤثر در این زمینه مورد بهره‌برداری قرار گیرد (Flynn, 1992, P.5). برخی راهبردهای توصیه شده برای حفاظت فیزیکی به شرح زیر

است:

- بهبود طراحی و کنترل محلات آسیب‌دیده، مانند کسب اطمینان از این‌که هیچ نقطه‌ای وجود ندارد که بزهکاران بتوانند در آن به انتظار فرصت برای ارتکاب جرم علیه زنان و کودکان بنشینند.

- اطمینان از وجود استانداردهای بالای روشنایی‌ها و کنترل ورودی و خروجی خیابان‌های اطراف جهت اشراف و رصدگری پلیس به خصوص در ساعات اوج ارتکاب جرایم.
- آموزش مبانی و اصول پیش‌گیری از جرم به پلیس زن برای ارائه مشاوره به زنان و کودکان بزه‌دیده.

- جهت دادن تدابیر نظارتی توسط پلیس زن به سمت محلات، خیابان‌ها و نقاط حساس و آسیب‌پذیر که تا حد زیادی در معرض آسیب‌ها و تهدیدات جدی هستند.
- ایجاد اطمینان به این‌که اطلاعات لازم برای تجزیه و تحلیل‌های راهبردی و طراحی تدابیر پیش‌گیرانه به طور صحیح و به راحتی در دسترس قرار دارد.

ب- حفاظت الکترونیکی: استفاده از فناوری‌های نوین الکترونیکی در پیش‌گیری وضعی از بزهکاری امری اجتناب‌ناپذیر است. همان‌گونه که بزهکاران روز به روز در شیوه‌های ارتکاب خود تجدید نظر می‌کنند و از روش‌های نوین استفاده می‌کنند، دانش پیش‌گیری وضعی نیز باید همواره چند گام جلوتر از آنان احتمال سوءاستفاده و بزهکاری‌ها را شناسایی کند و روش‌های سد کردن مسیر را پیش‌بینی نماید.

افزایش و ارتقای امکانات و روش‌های الکترونیکی در مبادی خروجی و ورودی و مکان‌های جرم‌خیز و آسیب‌پذیر باعث تقلیل جرایم و بزهکاری می‌شود. پلیس زن می‌تواند با بهره‌گیری از این امکانات و فناوری‌ها به حفاظت الکترونیکی از آماج‌های جرم یعنی زنان و کودکان آسیب‌پذیر بپردازد.

رویکرد پلیس زن در پیش‌گیری وضعی از جرایم علیه زنان

۱- افزایش خطر شناسایی و دستگیری مجرمان

پلیس زن یکی از اهرم‌های قوی کنترل بزهکاری علیه زنان می‌باشد و بهینه کردن

استفاده از این نیرو و سامان‌دهی آن می‌تواند در کاهش آمار بزهکاری علیه زنان نقش مؤثر و قطعی داشته باشد.

یکی از اهداف اصلی این‌گونه اقدامات، پیش‌گیری از جرایم از طریق تهدید مجرمان بالقوه به توقیف است. استقرار پلیس زن در مکان‌های آسیب‌پذیر و خاص، اقدامی در چارچوب پیش‌گیری وضعی محسوب می‌شود و می‌تواند ضمن شناسایی و حمایت از زنان آسیب‌پذیر و آسیب‌دیده، در جهت اصلاح و بازپروری جسمی و روانی آنان گام بردارد، مسلماً با این‌گونه اقدامات کنشی، وضعیت و اوضاع و احوال ما قبل و مشرف بر بزهکاری به ضرر مجرم تغییر می‌کند و از ارتکاب جرم در آن محدوده زمانی و مکانی یا نسبت به آماج معین پیش‌گیری می‌شود (Fattah, 1991, P.222).

جان گراهام با تأکید بر نقش پررنگ پلیس در پیش‌گیری وضعی می‌گوید: به نظر می‌رسد گشت‌زنی کنترل شده پلیس مؤثر است، خصوصاً اگر با یک راهبرد همه‌جانبه کاهش جرم و ترس همراه شود، در جاهایی که گشت‌های پلیس بر اساس تحلیل احتمال خطر، به صورت تیم اعزام می‌شوند و مناطق کوچک را پوشش می‌دهند و روابط سازنده‌ای با ساکنان محله ایجاد می‌نمایند، تأثیر آن‌ها می‌تواند بیشتر باشد (گراهام، ۱۳۷۰، ص ۱۴۲).

۲- جلوگیری از بروز جرم بر اساس جنسیت در مکان‌های جرم‌خیز

یکی از مهم‌ترین راهکارهای پیش‌گیری وضعی قراردادن مأمور در مواضعی است که وقوع جرم علیه زنان و کودکان توسط زنان بزهکار محتمل است. در بسیاری از مکان‌هایی که خطر وقوع جرم در سطح بالایی وجود دارد، صرف حضور مأموران پلیس زن در امر پیش‌گیری از جرایم مؤثر است؛ زیرا حضور پلیس زن این حس را در زنان بزهکار ایجاد می‌کند که با سوء استفاده از جنسیت و پوشش و مسائل شرعی نمی‌توانند از زیر بار عواقب جرم فرار کنند و یا احیاناً آثار و مدارک جرم را به روش‌های زنانه محو و معدوم نمایند یا به فرار سایر مجرمان کمک کنند. همچنین برخورد پلیس زن آموزش‌دیده با زنان بزهکار می‌تواند بسیار سازنده باشد؛

به نحوی که ضمن بررسی دقیق جرایم این‌گونه افراد با ظرافت‌های زنانه، از برچسب زدن و ایجاد حقارت و در نتیجه، غلتاندن زنان مستعد جرم به ورطه جرم و جنایت‌های بعدی جلوگیری کند (نمازی خواه، ۱۳۸۳، ص ۵۴).

۳- مراقبت از آماج‌های جرم در مقابل مجرمان

از جمله وظایف پلیس زن در راستای پیش‌گیری وضعی از ارتکاب جرم، گشت‌زنی و کنترل دقیق در خیابان‌ها و مناطق آسیب‌پذیر برای حمایت از زنان و کودکانی است که در معرض حمله و هجوم مجرمان قرار می‌گیرند، به ویژه در مورد زنان که ممکن است در محل‌های جرم‌خیز مورد حمله و آزار و اذیت مجرمین قرار گیرند (Flynn, 1992, P.73).

از جمله وظایفی که پلیس زن باید در حین پیش‌گیری از جرم بدان توجه نماید، حمایت از زنان آسیب‌دیده پس از وقوع جرم و برقراری ارتباط عاطفی با آنان است؛ زیرا معمولاً زنان جهت حفظ آبرو و حیثیت و ترس از انتقام‌جویی بزهکار بسیاری از جرایم را گزارش نمی‌دهند.

آسیب‌پذیری زنان بر پایه معیار ضعیف بودن از نظر جسمی نیز باید مهم تلقی شود. در این جرایم معمولاً زنان آماج‌های مناسبی برای بزهکاران انگاشته می‌شوند و چنانچه فرد نیز در فراهم آوردن وضعیت وقوع جرم نقش داشته باشد، به آسانی بزه‌دیده می‌شود. حمایت از زنان آسیب‌پذیر و آسیب‌دیده به تدریج به حمایت از قربانیان غیر مستقیم، یعنی افرادی که به نوعی با قربانی مستقیماً در ارتباط بوده یا تحت تکفل او هستند، نیز مرتبط می‌شود. بزه‌دیده در صورتی که امنیت داشته باشد، جرأت می‌کند به طرح دعوی و احقاق حقوق حقه خود، شناسایی مجرم یا مجرمان اقدام نماید. تأمین امنیت بزه‌دیدگان و گواهان آنان نه تنها مستلزم پیش‌بینی تدابیری برای جلوگیری از ورود آسیب‌های احتمالی هنگام رویارویی با متهم است، بلکه فراتر از آن در بردارنده تدابیری است برای پیش‌گیری از تهدیدها یا اقدامات تلافی‌جویانه متهم یا خانواده و دوستان او (رایجیان اصلی، ۱۳۸۴، ص ۵۴).

رویکرد پلیس زن در پیش‌گیری وضعی از جرایم علیه کودکان

۱- شناسایی و حفاظت از کودکان در معرض بزه‌دیدگی

کودکان و نوجوانان با توجه به وضعیت جسمی و شخصیتی که دارند در معرض بزه‌دیدگی و سوء استفاده هستند. بنابراین ضروری است در هر مرحله، عوامل بزه‌دیدگی شناسایی شوند و برای مهار آن سیاست‌گذاری گردد.

در راستای چنین سیاست‌گذاری، کودکانی که در معرض بزه‌دیدگی هستند، باید شناسایی شوند تا از طریق حمایت و مراقبت تحت سیاست‌های پیش‌گیرانه قرار گیرند. شناسایی کودکان در معرض بزه‌دیدگی از طریق گزارش مدرسه، بستگان، همسایگان و معلم صورت می‌گیرد. ایجاد مراکزی جهت گزارش‌دهی کودکانی که در معرض بزه‌دیدگی هستند، تسهیل‌کننده این امر است. به موازات شناسایی کودکان از طریق گزارش‌دهی، پلیس زن موظف است این کودکان را به نهادها و سازمان‌هایی که حمایت و مراقبت از این‌گونه کودکان را بر عهده دارند، معرفی نماید. کودکان در معرض بزه، کودکانی هستند که دارای والدین بیمار یا معتاد بوده یا شخصاً دچار بیماری‌ها و اختلالات روانی هستند یا در شرایط اقتصادی بسیار پایین قرار دارند (Fattah, 1991, P.189).

از طرفی بزه‌کاران برای کسب موفقیت بیشتر و خطرپذیری کمتر غالباً به دنبال آماج‌های ضعیف هستند. این امر توجه زیربنایی سیاست جنایی اسلام را در راستای حفاظت از این‌گونه آماج‌ها موجب گردیده است. ذیلاً به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود: خداوند متعال در قرآن کریم در حمایت از اطفالی که ولی خود را از دست می‌دهند، به منظور جلوگیری از هرگونه سوء استفاده مالی یا حیف و میل اموال آنان می‌فرماید: «یتیمان را برای گرفتن اموال خود، مورد آزمایش قرار دهید تا به زمان سن بلوغ برسند. اگر در آن سن، رشد آن‌ها را احراز کردید، اموالشان را به ایشان بدهید. زمانی که پرداخت می‌کنید، بر این امر شاهد بگیرید. خداوند در محاسبه کردن کفایت می‌کند» (نساء، ۴).

در سیاست جنایی اسلام، حمایت از صغیر تا آنجا اهمیت دارد که فروش مال او را جز با اجازه ولی جایز نیست. حتی ولی نیز، در صورت عدم رعایت منافع و مصلحت طفل از ولایت ساقط می‌شود (حلی، بی‌تا، ج ۲، ص ۶۰۹).

کودکان خیابانی که در شهرهای بزرگ برای ادامه بقای خود مجبور به کار یا زندگی در خیابان‌ها هستند، آسیب‌پذیرتر از کودکان کار می‌باشند و بسیار راحت‌تر به آسیب‌دیدگان اجتماعی بدل می‌شوند. سرپرستی از کودکانی که به جهات و علل گوناگون، سرپرست خود را از دست داده‌اند، در درجه اول بر عهده دولت است. به همین سبب در بیشتر کشورهای دنیا مراکز خاص دولتی، سرپرستی و نگهداری از این کودکان را بر عهده دارند. در کنار این مراکز، بعضی مؤسسات که توسط اشخاص خیر و نیکوکار تأسیس شده‌اند، به این وظیفه مهم اشتغال دارند.

در نتیجه برای تحقق اهداف پیش‌گیری وضعی حمایت منجسم و سازمان‌یافته از بزه‌دیدگان بالاخص کودکان ضرورت دارد (Heidensohn, 1992, P.104).

با در نظر گرفتن این امر، یکی دیگر از وظایف پلیس زن، تعامل با این تشکله‌ها و مراکز غیردولتی حمایتی می‌باشد و سازمان‌های غیر دولتی در بسیاری از موارد مانند پیش‌گیری از وقوع جرم علیه کودکان، پیش‌گیری از بزهکاری کودکان و حمایت از کودکان بزه‌دیده یا ناقض قانون، می‌توانند با پلیس همکاری داشته باشند و تدابیر لازم را برای تضمین تلاش منسجم در این زمینه‌ها جهت تضمین هر چه بهتر حقوق کودکان اتخاذ نمایند (Ibid, P.172). ایجاد ایستگاه‌های پلیس دوستدار کودک با همکاری سازمان‌های غیر دولتی و کودکان، انجام فعالیت‌های مشترک مانند بازی‌های دوستانه ورزشی، فعالیت‌های فرهنگی، برگزاری نمایشگاه‌های مربوط به کودکان میان پلیس و سازمان‌های غیردولتی از دیگر موارد کاهش موقعیت‌های بزه‌دیدگی در کودکان می‌باشد.

۲- اعلام موقعیت‌های پر خطر به والدین اطفال

از دیگر روش‌های مؤثر در تقلیل موارد بزه‌دیدگی و پیش‌گیری از آن، اعلام و اطلاع‌رسانی صحیح و کارآمد در خصوص زمان‌ها و موقعیت‌های پرخطر، مکان‌های جرم‌زا و سنین و ویژگی‌های کودکان در معرض خطر به والدین اطفال می‌باشد. پلیس زن می‌تواند با معرفی کانون‌های خطر به والدین و افراد جامعه، آن‌ها را به خود ایمن‌سازی دعوت کند. یکی از طرق اعلام موقعیت‌های پر خطر به والدین، آموزش آن‌ها

می‌باشد این آموزش‌ها باید بر محور جلوگیری از «گرفتار شدن در خطر» متمرکز شود و بخش دیگر آموزش‌ها باید در جهت رهایی از خطر و کاهش صدمات در صورت گرفتار شدن در خطر باشد (Feinman, 1986, P.64).

جهت نخست قلمرو وسیعی دارد؛ به عنوان نمونه، زمانی که هدف از آموزش، حمایت از اشخاص باشد، جهت‌گیری آموزش‌ها در راستای تبیین مسائلی خواهد بود که اگر اشخاص آن‌ها را رعایت نکنند، کمتر در مخاطره واقع می‌شوند. آموزش‌هایی چون اجتناب از خروج اطفال از خانه به تنهایی یا در هنگام تاریکی هوا یا پرهیز از رفت و آمد اطفال در محله‌های خلوت، تأکید والدین بر نزدیک نشدن و «اعتماد نکردن اطفال به بیگانگان»، «بی‌توجهی به درخواست افراد مشکوک و ناشناس» نمونه‌هایی از این نوع تلقی می‌شوند (همان، ص ۷۲). پلیس زن می‌تواند به اطفال نیز آموزش دهد، در صورتی که در معرض خطر سوءاستفاده جنسی قرار گیرند، به والدین خود گزارش دهند. این قبیل آموزش‌ها باعث مشکل کردن فرایند ارتکاب جرم می‌گردد که یکی از طرق پیش‌گیری وضعی می‌باشد.

۳- تقلیل موقعیت‌های بزه‌دیدگی کودکان

یکی از اهداف اصلی و مهم پیش‌گیری وضعی، به هم زدن موقعیت مساعد و مناسب بزه‌دیدگی و جلوگیری از وقوع بزه‌دیدگی از این طریق می‌باشد. باید وضعیت و شرایط مناسب را آن‌گونه طراحی کرد که فرد در آستانه بزهکاری، فرصت ارتکاب جرم را به دست نیآورد، تا بزه‌دیدگی تحقق نیابد. لذا یکی از اقداماتی که پلیس زن می‌تواند در این خصوص انجام دهد، حضور وی در مکان‌هایی است که خطر بزه‌دیدگی بالایی برای کودکان وجود دارد. در واقع از جمله وظایفی که پلیس زن در این راستا می‌تواند انجام دهد، این است که در خیابان‌ها و مناطق آسیب‌پذیر با افزایش نیرو و کنترل شدیدتر نگذارد که اطفال در معرض حمله و هجوم مجرمان قرار گیرند. همچنین باید تدابیری را بیندیشد که اطفال توسط بزهکاران به راه‌های ناصواب و ارتکاب اعمال ضد اجتماعی سوق داده نشوند (Feinman, 1986, P.43).

در نهایت می‌توان گفت پیش‌گیری وضعی از وقوع جرم با تقلیل موقعیت‌ها سر و کار دارد، با این توضیح که تقارن سه عنصر زیر برای ارتکاب جرم ضروری است:

۱- میل یا انگیزه مجرم برای ارتکاب جرم

۲- مهارت و ابزار لازم برای ارتکاب آن

۳- وجود موقعیت

به نظر می‌رسد مبارزه با پیش‌شرط‌های اول و دوم در عمل تقریباً غیر ممکن است. در مورد اول همه مجرمان بالقوه شناخته شده نیستند تا میل و انگیزه آن‌ها به ارتکاب جرم قابل سرکوب شدن باشد. مبارزه با عامل دوم نیز غیرعملی است، به جهت این‌که آن قدر ابزار متفاوت در ارتکاب جرایم به کار می‌روند که ممنوع کردن همه آن‌ها غیر ممکن و باعث تعطیلی بسیاری از فعالیت‌های مشروع خواهد شد.

بدین ترتیب عملی‌ترین برخورد، تقلیل موقعیت‌هاست. یعنی باید به گونه‌ای عمل کرد که بدون شناخت مجرمان بالقوه و اثرگذاری مستقیم بر روی میل و انگیزه آنان، موقعیت‌های ارتکاب جرم برای مجرمان تقلیل یابد. قربانیان بالقوه جرم می‌توانند با انجام اقداماتی خود را در مقابل جرم مصون دارند.

اقداماتی نظیر عدم استفاده از زیورآلات گران‌بها برای دختران، که مانع از تحریک بزهکاران و دزدان می‌گردد. لذا نهادهای مسئول می‌توانند با آگاهی دادن به مردم درباره جرایم و شیوه‌های اخاذی از سوی مجرمان، توصیه‌ها و آموزش‌های لازم برای گروه‌های خاص (زنان و کودکان)، پیش‌بینی طرح‌ها و پروژه‌های گروهی، تغییر محیط (روشن‌تر کردن خیابان‌ها و معابر در ساعات تاریکی)، تشویق و مساعدت به شرکت‌های خصوصی در جهت تولید و عرضه تجهیزات ایمنی با قیمت‌های مناسب‌تر و ... سطح بروز جرم را تا حد امکان کاهش دهند (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۲، ص ۲۳).

در مجموع می‌توان گفت که رویکرد پیش‌گیری وضعی، ناظر بر اقدامات قابل سنجش و ارزیابی مقابله با جرم و مجرم است. این اقدام از راه‌های زیر حاصل می‌گردد:

اعمال مدیریت صحیح، دست‌کاری در محیط و ادوات جرم، طراحی یا اعمال تغییرات پایدار در محیط بلا واسطه، که منجر به کاهش فرصت‌های جرم و افزایش خطرات جرم

که همواره در نظر مجرمان است.

یافته‌های پژوهش

بر اساس آنچه در مقاله حاضر بیان شد، می‌توان نتیجه گرفت که در تبیین سیاست جنایی هیچ‌گاه نمی‌توان یک رویکرد خاص از جرم و پیش‌گیری را مد نظر قرار داد، بلکه باید سیاست فراگیر و جامع ملاک عمل قرار گیرد که در آن همه رویکردها در کنار هم مورد توجه قرار گیرند.

دلیل پیشنهاد اتخاذ یک سیاست مبتنی بر دیدگاه تلفیقی بر کسی پوشیده نیست؛ زیرا نمی‌توان انکار نمود که ارتکاب جرم به تلاقی و تقارن واقعی، یعنی جمع یک مرتکب با انگیزه، یک هدف مناسب و سهل‌الوصول در یک زمان و مکان معین، بدون حضور مانع مؤثر و تحت شرایط خاص سیاسی اجتماعی و اقتصادی لازم است.

اما پیش‌گیری واقعی از جرم در چارچوب یک سیاست جنایی راهبردی، زمانی مصداق خواهد یافت که راهبرد مربوطه از یک سو به کاهش هر چه بیشتر فرصت‌های مجرمانه پردازد و از دیگر سو و به طور هم‌زمان شرایط فردی و اجتماعی زندگی را در همه ابعاد اقتصادی فرهنگی و سیاسی و امثال آن‌ها به گونه‌ای بهبود بخشد که زمینه ارتکاب جرم و خصوصاً کشیده شدن افراد به سوی آن و انتخاب روش‌های مجرمانه و غیر قانونی به جای شیوه‌های مشروع و پسندیده، برای رسیدن به اهداف معمولی زندگی فردی و اجتماعی از بین برود.

در مرحله اجرا نیز برنامه‌های پیش‌گیری از جرم باید در سطح فردی هم سازماندهی شود؛ یعنی آنچه که هر شخص حقیقی یا حقوقی باید با رعایت آن‌ها موقعیت ارتکاب جرم از سوی مجرمان بالقوه را تقلیل دهد.

یکی از ابعاد اصلی مأموریت نیروی انتظامی، تأمین امنیت فردی و عمومی و پیش‌گیری از جرایم است. در بین افراد تشکیل‌دهنده یک اجتماع، زنان و کودکان در معرض آسیب‌پذیری بیشتر هستند. نیروی انتظامی به منظور پاسخ‌دهی به نیازها و جلوگیری از آسیب‌پذیری این دو قشر جامعه، اقدام به جذب و به کارگیری پلیس زن کرده است.

به نظر می‌رسد که پلیس زن به علت نوع جنسیت و ویژگی‌های خاص روحی و روانی و مهارت در برقراری ارتباط، به خصوص ارتباط کلامی در پیش‌گیری اجتماعی موفق خواهد بود.

چنانچه پلیس زن از طریق مشاوره فعال بتواند در بحث پیش‌گیری اجتماعی از جرایم، با سایر نهادهای اجتماعی، به خصوص نهادهای پایه آموزش و تربیت، ارتباط صحیحی برقرار کند، مأموریت و وظایف پلیس در قبال زنان و کودکان جامعه تا حد چشمگیری محقق خواهد شد. البته این نکته را نباید فراموش کرد که زنان پلیس در زمینه پیش‌گیری اجتماعی از جرایم و تعامل با نهادهای مهمی نظیر خانواده، مدرسه و رسانه‌های جمعی، نیازمند پشتیبانی قوی مسئولان نیروی انتظامی می‌باشند. علاوه بر آن اگر نهادهای اجتماعی، زنان پلیس را به رسمیت شناسند و به قابلیت‌های آنان اعتماد نکنند، این دسته از کارکنان پلیس در ارتباط با این نهادها دچار مشکل می‌شوند. بنابراین، برقراری تعامل و ارتباط دو سویه بین پلیس زن، خانواده، مدرسه و رسانه‌ها نیازمند توجه و همکاری تمامی این ارگان‌هاست.

به عنوان یافته نهایی این پژوهش باید خاطر نشان ساخت که پلیس زن می‌تواند از طریق پیشگیری وضعی و کنترل ابزارها و آماج‌های جرم آرامش، اطمینان، اعتماد و نظم و بلاخره امنیت همه جانبه را برای زنان و کودکان و خانواده‌ها ایجاد نماید.

مسئلاً پیشگیری وضعی از وقوع جرم با تقلیل موقعیت‌ها سر و کار دارد، یعنی باید به گونه‌ای عمل کرد که بدون لزوم شناخت مجرمان بالقوه و اثرگذاری مستقیم بر روی میل و انگیزه آنان، موقعیت‌های ارتکاب جرم برای مجرمان تقلیل یابد. قربانیان بالقوه جرم می‌توانند با انجام اقداماتی خود را در مقابل جرم مصون سازند.

در مجموع می‌توان گفت که رویکرد پیشگیری وضعی ناظر بر اقدامات قابل سنجش و ارزیابی مقابله با جرم و مجرم است. این اقدام از طریق اعمال مدیریت صحیح، دستکاری در محیط جرم و ادوات جرم، طراحی یا اعمال تغییرات پایدار در محیط بلاواسطه که منجر به کاهش فرصت‌های جرم و افزایش خطرات جرم است، حاصل می‌گردد.

منابع و مأخذ

منابع فارسی

- ✓ پیکا، ژرژ، *پیشگیری از جرم‌های شهرنشینی*، ترجمه عزیز طوسی، تهران، ماهنامه دادرسی، سازمان قضایی نیروهای مسلح، شماره دوم، ۱۳۷۶
- ✓ جاوید صلاحی، جواد، *بزهکاری اطفال و نوجوانان*، تهران، گوتنبرگ، ۱۳۸۱، چاپ اول
- ✓ حلّی (علامه)، حسن بن یوسف، *تذکره الفقهاء*، ج ۲، تهران، مکتبه رضویه، بی تا
- ✓ خوانساری، احمد، *جامع المدارک*، ج ۳، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۴۰۵ هـ
- ✓ رایجیان اصلی، مهرداد، «*بزه‌دیده‌شناسی حمایتی*» مجله پژوهش‌های حقوقی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی، شماره ۷، ۱۳۸۴
- ✓ صفاری، علی، «*مبانی نظری پیشگیری وضعی از جرم*»، مجله تحقیقات حقوقی، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۳۳، ۱۳۸۰
- ✓ کمیته مأمور مطالعه در امر خشونت و بزهکاری تحت ریاست آلن پرفیت، *پاسخ‌هایی به خشونت*، ترجمه مرتضی محسنی، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۷، چاپ اول
- ✓ گراهام، جان، *راهبردهای پیشگیری از جرم در اروپا و امریکای شمالی*، ترجمه مؤسسه تحقیقات علوم جزایی و جرم‌شناسی، تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۷۰، چاپ اول
- ✓ میرمحمد صادقی، حسین، «*پیشگیری از وقوع جرم*»، فصلنامه مطالعات اجتماعی، انجمن جامعه‌شناسی ایران، پیش شماره دوم، ۱۳۸۲
- ✓ نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم‌بیگی، حمید، *دانشنامه جرم‌شناسی*، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۷، چاپ اول
- ✓ نمازی خواه، سحر، «*چاره‌اندیشی برای امنیت کودکان*»، تهران، شرق، ۱۳۸۳/۱۱/۱۲

✓ وزیری، مجید و آبیید، محمد، «پلیس زن و پیشگیری وضعی از جرایم مرتبط با مواد مخدر و روان‌گردان»، مجموعه مقالات همایش پلیس زن و مبارزه با مواد مخدر، ۱۳۹۰

منابع لاتین

- ✓ Fattah, E.A., *Understanding Criminal Victimization*, Canada, Macmilan Press, First Edition, 1991
- ✓ Feinmann, C., *Women in the Criminal Justice System*, New York, Praeger, Second Edition, 1986
- ✓ Flynn, E.E., *Women as Criminal Justice Professionals*, Boston, Northeastern University Press, First Edition, 1982
- ✓ Heidensohn, F., *Women in Control and the Role of Women in Law Enforcement*, Oxford, Clarendon Press, Second Edition, 1992
- ✓ Lord, L.K., *Police Women*, New York, Garland Press, Seventh Edition, 1995